

تسلی دهنده یا ناصح



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

در کلاس درس کارشناسی اغلب سوّالی برای بحث و گفت‌وگو مطرح می‌کنم. سوّال این است: همانندی یا ناهمانندی؟ آیا کسانی را که شبیه ما هستند و مانند ما می‌اندیشند و رفتار می‌کند یا تصور می‌کنیم مانند ما هستند، دوست داریم یا خلاف این است؛ یعنی به کسانی علاقه‌مند می‌شویم و به‌عنوان دوست یا زوج زناشویی انتخاب می‌کنیم که مانند ما نیستند؟ آیا معتقدید بکوتر با بکوتر، باز با باز یا فکر می‌کنید با این گزاره همراه هستید که زمین خشک عاشق باران است. از دانشجویان می‌پرسم که دلیل گرایش و علاقه به دوستی با دیگران همانندی است یا ناهمانندی؟ آیا به دنبال چیز متفاوتی غیر از آنچه هستید، می‌روید یا دوست دارید کپی خودتان را پیدا کنید؟ بحث ما به اینجا می‌رسد که روشن کنیم منظور از ناهمانندی به قول دور‌کنیم، از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، نقطه مقابل و نفی‌کننده نیست، بلکه کیفیات تکمیل‌کننده است. ناهمانندی دو گونه است: آنکه بیزارکننده است و گونه دیگر که عامل جذب و اتصال است. آیا افراد نقاط ضعف خود را می‌شناسند و به دنبال این هستند که با ناهمانند مرتبط شوند تا نقاط ضعف خود را کمتر کنند؟ آیا واقعا به دنبال چیزی هستیم که خود کمتر داریم اما مایل به داشتن آن هستیم و این آغازی است برای دوستی؟ یعنی ویژگی‌هایی را که خود نداریم، در دوستان می‌جویم، شاید همین است که افراد کم‌رو به افراد مصمم و با عزم گرایش دارند. در یکی از کلاس‌های این ترم، اغلب دانشجویان همانندسّی را انتخاب کردند. مطالبه‌کنندگان ناهمانندی بسیار کم بودند. گرایش به همانندی نه‌فقط به این دلیل بود که همانندها همدیگر را بیشتر درک می‌کنند، حامی و در همه حال همراه هم هستند، بلکه به این دلیل است که حوصله ناهمانندی را ندارند.

یادداشت

هیچ مگوی



مینو خالقی

چند روز پیش برنامه «اکنون» سروش صحت را می‌دیدم که با میهمان عزیزش، گروس عبدالملکیان، به گفت‌وگو نشسته بود. در میانه مصاحبت، ایشان اشعار نغز حضرت مولانا را زمزمه کرد که چقدر بر دل نشست: من غلام قمرم، غیر قمر هیچ مگو پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو سخن رنج مگو، جز سخن گنج مگو ور از این بی‌خبری، رنج میر، هیچ مگو با خود اندیشیدم که در این زمانه پر هیاهو، چه میزان «هیچ مگو» نیاز و الزام روزگار ماست. در مرادوات و دیدارها، در نوشته‌ها و اظهارنظرهای مجازی، در مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، در سخنرانی‌ها و گندها، چقدر محتاج سکوت و نگفتن هستیم! به‌راستی، وقتی هیچ‌گاه آگاه و داننده و عقل‌کل حقیقت و پشت صورت‌ها نیستیم، چقدر به این نگفتن‌ها نیازمندیم؛ چراکه همیشه اجباری بر اظهارنظر نیست و هر گفتنی، نامش آزادی بیان نیست.

دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴
۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۲۷ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۳۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

ولادت حضرت نینب در شهریکمی کویم

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: اسکوچیچ؛ حسرتی برای نیمکت تیم‌ها • رقابت پرهیاهوی ژانرها در گیشه • فرجامی تأمل‌برانگیز برای بخش کشاورزی/ عبدالحسین طوطیایی

برخی نمایندگان بار دیگر بیت‌المال، وقت و شأن قانون‌گذاری را قربانی جدال‌های سیاسی کردند

نزاع جناحی در صحن علنی

گزارش تیتربیک را در صفحه ۳ بخوانید

میزان سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی به پایین‌ترین رقم ۱۱ سال گذشته رسید

ریزش سرمایه‌گذاری در پتروشیمی



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید. عکس: AP

یادداشت

سفره‌هایی که رنگ می‌بازند



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

مرکز آمار، انجمن‌های کارگری، رسانه‌ها و... هزینه معیشت یک خانوار سه‌نفره در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۲۳ میلیون تومان رسیده است. اگر سبد غذایی به‌طور معمول شامل لبنیات، گوشت و میوه باشد، هزینه ماهانه یک خانوار چهارنفره می‌تواند به مرز ۳۰ میلیون تومان برسد؛ رقمی که با درآمد بسیاری از طبقات به‌ویژه کارگران و کارمندان متوسط همخوان نیست و بیش از دو برابر حداقل حقوق مصوب سال ۱۴۰۴ است.

این شکاف قیمت‌ها وقتی آشکارتر می‌شود که به بازار واقعی نگاه کنیم: در تابستان ۱۴۰۴، هر کیلو گوشت گوسفندی بدون استخوان در بازار تهران به بیش از ۱،۳ میلیون تومان رسید و هر کیلو ماهیچه گوسفندی حدود ۱،۲ میلیون تومان بود. حتی گوشت آبگوشتی که زمانی ارزان‌ترین گزینه پروتئینی بود، حدود ۸۱۰ هزار تومان در هر کیلو فروخته شد. قیمت برنج ایرانی پر محصول نیز در بنکدارها بین ۲۱۰ تا ۳۲۰ هزار تومان در هر کیلو عرضه می‌شود و پس از احتساب سود و هزینه بسته‌بندی، برای مصرف‌کننده به حدود ۲۵۰ تا ۳۷۰ هزار تومان می‌رسد. حبوبات، به‌ویژه لوبیاچیتی، به قیمت عمده ۳۴۰ تا ۳۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود که با سود قانونی باید حدود ۳۹۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده برسد. حتی مرغ که زمانی گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر بود، برای هر کیلو ران و سینه بدون پوست حدود ۲۸۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده و قیله مرغ بیش از ۳۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. این قیمت‌ها

طحان نظیف:

فرایند بررسی مصوبات در شورای نگهبان کاملاً تخصصی است



برگزیده‌ها

دیپلمات ارشد آمریکا در گفت‌وگو با «پولیتیکو» از سیاست تازه واشنگتن در قبال ونزوئلا می‌گوید

فشار حداکثری علیه مادورو

روایت‌های تکان‌دهنده قربانیان یک پرونده تجاوز که منتهم فقط به ۱۰۰ ضربه شلاق و دیپورت‌شدن محکوم شده است

«شیطان لویزان» در آستانه آزادی

«شرق» سیاست «آب در برابر نفت» همسایگان ایران را واکاوی می‌کند

دیپلماسی پشت سد

پاسخ حاجی‌میری، تهیه‌کننده فیلم ناتمام «چای تلخ» به گفت‌وگوی «شرق»

امانی و اقراریان، اعضای شورای شهر، شاخص‌های «حکمرانی نمایشی» و «حکمرانی گزارشی» را تشریح کردند

تهران زیر غبار وعده‌ها

در شرایطی که سازمان آتش‌نشانی اعلام کرده فقط ۳ مدرسه تأییدیه ایمنی دارند، آموزش و پرورش می‌گوید نگران نباشید

از اعلام آتش‌نشانی تا انکار آموزش و پرورش

یادداشت

نکوهش ورود مسئولان دولتی به مباحث حساس قومی



احسان هوشمند

ورود و درگیرشدن برخی از مسئولان دولتی در مباحث قومی سابقه دور و درازی ندارد. آگاهی درباره حساسیت مباحث قومی و نیز برخورداری مسئولان کشوری از حداقلی از آگاهی تاریخی در دوره‌های مختلف و رعایت قوانین و مقررات مربوطه و همچنین مسئولیت‌پذیری ملی در برابر منافع ملی و امر ملی، موجب شده بود تا مسئولان کشوری در صد سال اخیر نهنتها وارد مباحث قومی نشوند، بلکه با اتخاذ تدابیر قانونی، در برابر هر نوع قوم‌گرایی و افراط‌گرایی قومی یا زبانی و... معمولاً مواجهه‌ای مدبرانه داشته باشند. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد هستیم به دلیل بی‌توجهی به مقررات و نیز اطلاع‌نداشتن و ناآگاهی برخی مسئولان از تاریخ دیرین ایران و مناسبات درهم‌تنیده ایرانیان و امر ملی و نیز نبود درک درست از مختصات فرهنگی و تاریخی و حتی اسطوره‌ای در ایران و...

ادامه در صفحه ۷

بسیار فراتر از ارقامی است که در رسانه‌های دولتی اعلام می‌شود و نشان می‌دهد سبد غذایی پیشنهادی مرکز پژوهش‌های مجلس که مصرف گوشت قرمز و برنج را کاهش و حبوبات، لبنیات و تخم‌مرغ را افزایش می‌داد، دیگر پاسخ‌گوی نیازهای مردم نیست. تشدید این شکاف از رشد دستمزدها ریشه می‌گیرد. حداقل حقوق یک کارگر در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۰،۳ میلیون تومان بود، اما با در نظر گرفتن اینکه خانواده‌ها مجبورند ۴۲ درصد از درآمدشان را صرف مسکن و خدمات کنند و تنها ۲۵ درصد از درآمد به خوراک اختصاص می‌یابد، در عمل حتی سه دهک میانی جامعه نیز توان خرید سبد غذایی کامل را ندارند. این اختلاف سنگین بین درآمد و هزینه به معنی حذف بسیاری از اقلام پروتئینی و مغذی از سفره‌هاست و طبق آمار رسمی حداقل یک‌سوم جمعیت کشور زیر خط فقر غذایی قرار گرفته‌اند.

کالری ارزان و شکاف‌های عمیق

کراتی‌های اخیر، الگوی غذایی مردم را نیز تغییر داده است. مرکز آمار می‌نویسد هزینه غذای خانوارهای فقیر سریع‌تر از سایر دهک‌ها رشد می‌کند؛ گزارش‌هایی نیز از افزایش شمار فقیران حکایت دارد. در چنین شرایطی، قیمت یک کیلو برنج ایرانی که به بیش از دو میلیون ریال رسید، غذای سالم را برای بسیاری دست‌نیافتنی کرده و شکاف میان فقیر و غنی را بیشتر می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها برای سیرکردن شکم به نان و برنج ارزان‌قیمت رو آورده‌اند و مصرف گوشت، مرغ و حتی حبوبات کاهش یافته است. در دهه اخیر، مصرف سرانه گوشت قرمز حدود ۴۰ درصد و لبنیات ۳۰ درصد کاهش یافته و به ترتیب به حدود ۸،۵ و ۷۰ کیلوگرم در سال رسیده است. مصرف انرژی روزانه ایرانیان نیز کاهش یافته و بسیاری کمتر از میزان توصیه‌شده، کالری دریافت می‌کنند.

پیامدهای تورم غذایی فراتر از سفره‌هاست؛ گرانی غذا تنها شکم را خالی نمی‌گذارد، بلکه سلامت ذهن و بدن را نیز تضعیف می‌کند. پژوهش‌ها کاهش مصرف میوه و سبزی و افزایش غذاهای پُرچرب و پُرشکر را با رشد افسردگی مرتبط می‌دانند.

ادامه در صفحه ۴

تجهیزات پیشرفته

تصویربرداری

صدابرداری

نورپردازی

ضبط با کیفیت ۴K

تدوین حرفه‌ای

استودیو شرق

نقطه آغاز تولیدات حرفه‌ای شما

اگر به دنبال فضایی حرفه‌ای و مجهز برای تولید محتوای ویدئویی هستید، استودیو شرق انتخابی ایده‌آل است.